آنچه در پی می‌آید چکیده‌ای از سخنرانی حجت‌الاسلام قرائتی است که در روز ۱۲بهمن ۹۱ از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. وی در این سخنرانی به برخی دستاوردها و برکات نهضت اسلامی ایران اشاره می‌کند. گفتنی است این مطلب از سایت درسهایی از قرآن انتخاب شده است.

تحولات جامعه در سایه انقلاب اسلامی

■ حجت الاسلام محسن قرائتی

وقوع انقلاب اسلامی تغییرات و تحولاتی را در پی داشت که ذیلا به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- تغییرشاه فاسق به امام عادل

انتقال از سلطه فاسق به حاکم عادل. این خودش یک مسئله است. قدم اول است. به چه دلیل شاه باید بر ما حکومت کند؟ سوادش بیشتر است؟ سابقه‌ای داشت؟ پدرش رضاخان قلدر بود، آمریکایی‌ها می‌خواستند او حکومت کند. خواست آمریکا بود. کسی ازما پرسید که شما به شاه رای دادید یا ندادید؟ یک سلطه فاسق تبدیل شد به یک حکومت عادل، حاکم عادل امام خمینی، این خیلی مهم است.

۲ - پشتوانه مردمی قدرت، به جای ابر قدرت‌ها

قدرت حکومت از پشتوانه ابر قدرت‌ها تغییر کرد به پشتوانه مردمی. پشت سر شاه که بود؟ پشت سر امام خمینی که بود؟ منتهی چون در آن هستیم خیلی خبر نداریم. آدم وقتی صبح تا شام روی آسفالت راه می‌رود، چند متر، صدمتر، دویست متر اگر ماشینش در چاله‌ها افتاد، وقتی به آسفالت رسید می‌گوید: خدا پدرش را بیامرزد. این «تعرف الاشیاء باضدادها» است. شما چند متر چشمت را ببند و راه برو، بعد که باز کردی می‌گویی: اوه! نگاه کردن که ساده نیست. اصلا رابطه شما با دنیا با همین دو مثقال پی است. پی چشم!

قدرت نفسانی با قدرت «صائنا لنفسه» (وسایل الشیعه/ج۲۷/ص۱۳۱) این مهم است. قدرت نفسانی، چه دوست دارند، دیگران چه دوست دارند. یا قدرت «مخالفا لهواه» در روایات آمده است. یعنی دنبال کسی بروید، از مجتهدی تقلید کنید به امر مجتهدی جبهه بروید که «مخالفا لهواه» یعنی در فرمانش هوا و هوس نباشد. مقایسه حاکمی که همه کارهایش روی نفس است با کسی ک همه کارهایش روی فرمان الهی است.

۳ - تعهد و دلسوزی، به جای تملق و چاپلوسی

ارتش دکوری یا ارتش مردمی، زمان شاه ارتش در خدمت فرد بود. الان ارتش در خدمت اسلام است. چه کسانی مسئول می‌شدند؟ هر کس فاسق‌تر، فاسدتر، متملق‌تر بود، مسئول می‌شد. هویدا خم می‌شددست شاه را می‌بوسید. نخست‌وزیر می شد، هر کس تملقش بیشتر بود پست می‌گرفت. البته الان هم متاسفانه بعضی اداره‌ها و بعضی از مسئولین به کسانی پست می‌دهند که تملق بیشتری داشته باشند. این عیب هنوز ریشه‌هایش الان هم هست. منتها آن زمان همه‌گیر بود حالا نه، ما مسئول داریم که ۳۰ سال مسئولیت داشته و یکی از بستگانش را نبرده است. رئیس سازمان هم بوده، دهها هزار هم نیرو داشته. ولی یکی از بستگانش را، همشهری‌هایش را سر کار نبرده، الان گاهی پیدا می‌شوند افرادی که چون فامیلش است، البته فامیل اگر لیاقت داشته باشد عیب نیست. آنجایی عیب است که فقط به خاطر فامیلی باشد، حالا اگر دو نفر لایق هستند، یکی لایق است و او را می‌شناسند و یکی هم لایق نیست و او را نمی‌شناسند. خوب آن کسی را که می‌شناسد عیب نیست. بی‌لیاقتی که فقط به خاطر تملق جلو آمده است.بی‌لیاقتی که فقط به خاطر فامیلی جلو آمده است. و هیچ امتیازی ندارد. بحث آنجاست.ولی حالا ممکن است ذهن شما بگوید: بله فلانی هم برادر خانمش راسرکار برد. فلانی شوهر خواهرش را سرکار برد. ممکن است کسی برادرخانم لایقی داشته باشد. پسر لایقی داشته باشد، اگر لیاقت باشد عیب نیست.

ارتشی بودن شغل بود، الان ارتشی بودن وظیفه است. خیلی فرق می‌کند. دایه، شیر به بچه‌اش می‌دهد چون شغلش است، پول می‌گیرد وشیرمی‌دهد. ولی مادر هم اینطور است؟ مادر چون مادر است شیر می‌دهد. اینها ارزش دارد. یک تحقیقی پزشکان کرده‌اند که اگر کسی که غذا می‌خورد با اشتها غذا بخورد، شما که او را نگاه می‌کنی، شما هم به اشتها می‌افتی. اما اگر کسی اشتها ندارد وظاهری فیلم بازی می‌کند غذا می‌خورد.شما هر چه به او نگاه کنی گرسنه نمی‌شوی. یعنی اشتهای درونی من دراشتهای بیننده من اثر می‌گذارد . این مهم است. یک چیزی را می‌گویند: حرف که از دل برآید، بر دل نشیند.

اگردایه‌ای شیرش را در سر شیشه‌ای کند. و این بچه از سر شیشه‌ای شیر بخورد، با این دایه محرم نمی‌شود. یعنی باید از سینه بمکد تا به این زن (محرم بشود) نه به مادرش.

۴- عزت و کرامت، به جای ذلت وحقارت

نظام تحقیر شده یا نظام با کرامت. خیلی مهم است. رجایی که رئیس جمهور شد، وقتی آمریکا رفت، رئیس جمهور آمریکا وقت ملاقات خواست به او نداد. رجایی که بود؟ یک معلم بود. معلم تحقیر شده، شلاق خورده، زندان رفته. اما به جایی رسید که مردم به او رای دادند و ایشان به رئیس جمهور آمریکا که اجازه ملاقات خواست گفت: نمی‌خواهم ببینمت! خوب این خیلی مهم است.

بی رودربایستی، جمهوری اسلامی کارهای بی‌رودروایسی خیلی کرد.

ما الان خیلی قاضی داریم که چون در قضاوت منحرف شده، قوه قضاییه او را عزل کرده.قاضی‌ها خودشان دادستان دارند. اینطور نیست که قاضی هر کاری خواست بکند. قرآن به پیغمبر می‌گوید:حکومت دینی حکومت رودربایستی نیست. پیغمبر بی رودروایسی به تو بگویم. تو هم خلاف کنی، حال تو را می‌گیرم.سه جا به پیغمبر اولتیماتوم داده است.گفته: «لئن أشرکت لیحبطن عملک» (زمر/ ۶۵) مشرک شوی تمام زحماتت نابود می‌شود. ما در توحید و شرک رودربایستی نداریم. یک کلمه با قرآن رودربایستی کنی رگ گردنت را قطع می‌کنم.

«ولو تقول علینا بعض الاقاویل، لاخذنا منه بالیمین» (حاقه/ ۴۴ و ۴۵) اگر کلمه‌ای را به ما نسبت بدهد، رگ گردنش را قطع می‌کنیم. علی را در غدیر خم معرفی کن، «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته» (مائده / ۶۷) علی را معرفی نکنی، تمام زحمات ۲۳ ساله‌ات نابود می‌شود. من با کسی رودربایستی ندارم. بی رودربایستی! البته این که گفتم بدنه را می‌گویم.متاسفانه الان هم یک آدم‌هایی هستند که رودربایستی دارند.

۵- جایگزینی ارزش‌های الهی با ارزش‌های مادی

کمی راجع به ارزش‌ها صحبت کنم چون دارد از بین می رود. این جمله را عنایت کنید.

ناقلش آیت‌الله سبحانی است. من از ایشان شنیدم.

می‌گفت: امام وارد مسجد فیضیه شد درس بدهد. مسجد فیضیه یک مدرسه دارد مثلا هشتاد متر. باقی‌اش هم کتابخانه است.هر روز امام آنجا درس می‌داد. امام به طور طبیعی وارد فیضیه شد و به سمت مدرسه رفت. تا وارد شد دید یک بچه طلبه‌ای کتابی باز کرده، روی کتابش افتاده و دارد مطالعه می‌کند. تا امام دید این بچه طلبه روی کتابش افتاده و مطالعه می‌کند، فرمود: هیچی نگویید: برگردید. این بچه طلبه هم نفهمید که امام آمد و برگشت. گفتند: آقا چرا درس نمی‌دهی؟ گفت: ایشان مطالعه می‌کند. گفتند: آقا ما صد نفر هستیم. (حالا آن زمان شاگردان امام صدنفر بودند.) این یک نفر. گفت: باشد. قرآن نگفته: «ان اکرمکم عند الله اکثرکم» می‌گوید: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳) یکی و صد تا ندارد. گفتند: آقا شاگردان شما مجتهد هستند. این طلبه سال اول طلبگی‌اش است. این در مدرسه ابتدایی است و آنها دارند دوره تخصصی می‌خوانند. فرمود: نگفته «ان اکرمکم عندالله متخصصکم». این حرف‌ها نیست. گفتند: آقا ما هر روز می‌آمدیم. این بی‌خود امروز آمده و نشسته. جای ما است. فرمود: هر روز شما زودتر می‌آمدید جای شما بوده، امروز این زودتر آمده جای ایشان است. گفتند: آقا به او بگوییم خودش می‌رود. گفت: در رودربایستی گیر می‌کند. سرش را بلند کند می‌بیند صد تا آقا بالای سرش ایستاده است، خوب می‌رود. این «الماخوذ حیاء کالماخوذ غصبا» کسی اگر از رودربایستی جایش را به شما بدهد، نماز شما هم باطل است. گفتند: حالا چه کنیم؟ گفت: هیچی دور حوض فیضیه قدم بزنید، اگر این رفت درس می‌دهیم. منتهی به او اطلاع ندهید. اگر خودش رفت می‌رویم. این بچه طلبه نشسته بود، درس می‌خواند.

آیت‌الله سبحانی می‌گفت: امام یک ساعت دور حوض فیضیه قدم زد و ما هم مثل مکه طواف کردیم. هیچی، آن روز امام به ما درس نداد. آن وقت می‌دانید من چه گفتم؟ گفتم: امام آن روز به شما درس داد. درس واقعی همین است. باقی که می‌خوانیم اینها درس نیست که ما می‌خوانیم. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «ثمره العلم العباده [العبودیه]» (غررالحکم/ حکمت ۷۹۸). ثمره درس تواضع و بندگی است. اگر فوق لیسانس‌ها بیش از لیسانس‌ها سلام کردند، زنده باد این. اگر لیسانسه‌ها بیش از دیپلمه‌ها، اگر دیپلمه ها بیش از راهنمایی‌ها، اگر آمار مسجدها را گرفتید، بچه‌های دانشجو بیشتر از دبیرستانی‌ها بودند. دبیرستانی‌ها در مسجد بیشتر از راهنمایی‌ها بودند، مدرسه‌هایشان اگر اینطور بود. اگر ادب باسوادها نسبت به استادشان و پدر و مادرشان بیشتر بود این علم مفید است. ارزش این است. امام آن روز به شما درس داد.

یک انقلاب عظیمی شد. بحث این نیست که همه مردم خوب شدند. من یک چیزی به شما بگویم. این پنبه را از گوشتان بیرون آورید. اگر فکر می‌کنید که یک زمانی بیاید که همه مردم عادل باشند، زمان امام زمان(عج) هم یهودی خواهد بود. مسیحی‌ها هم خواهند بود. سؤال؟ در زمان امام زمان(ع) کسی بخواهد فحش بدهد، لال می‌شود؟ نه. زبان‌ها کار می‌کند ، زبانی که کار می‌کند فحش هم می‌دهد. نظام عوض می‌شود، نه اینکه همه آدم‌ها، عادل می‌شوند. نظام عوض می‌شود: «وعد الله‌الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض» (نور/۵۵) یعنی مؤمنین و اینهایی که کار نیک می‌کنند، اینها حکومت را بدست می‌گیرند. معنایش این نیست که همه مردم عادل شوند. گاهی وقت‌ها تا یک چیزی می‌گوییم، می‌گوید: آقا این شیخ قرائتی در تلویزیون چه می‌گوید؟ دلش خوش است! خودش خبر ندارد که فلانی پارتی بازی کرد. فلانی عزل بی‌خود و نصب بی‌خود کرد. بله ممکن است خیلی کار بی‌خود هم شود. اما نظام چه؟ انقلاب و ارزشها چه؟

نماز جمعه‌ها، بالای ششصد تا نماز جمعه داریم. زمان شاه چند تا نماز جمعه داشتیم؟ اعتکاف‌ها، در زمان شاه تا آنجایی که من یادم است یک جا اعتکاف می‌کردند، در قم، آن هم مسجد امام، آن هم فرض کنید با کم و زیادش صدنفر، دویست نفر. اعتکاف چند صدهزار نفری نبود.

۶- مهجوریت‌زدایی از قرآن در جامعه

تلاش برای حفظ قرآن، ما اوایل انقلاب پاکستان رفتیم. آنجا با ما یک مصاحبه کردند که در ایران چقدر حافظ قرآن است؟ من راستش اول انقلاب بود ترسیدم بگویم. چون خیلی حافظ قرآن نداشتیم. دیدم اگر راست بگویم آبروی ایران می‌ریزد. دروغ بگویم دروغ حرام است، گناه کبیره است، آن هم از آخوند بدتر. می‌دانید آخوندها، مسئولین، معلمین، پدر و مادرها، اینهایی که مسئولیتی دارند، مثلا در خانه پدربزرگ است، مادربزرگ است، مادر است. بچه به مادر نگاه می‌کند. بچه به پدر نگاه می‌کند. اگر کسی مورد نگاه دیگران است، اگر گناه کند گناهش دوبله است. می‌خواهید آیه‌اش را هم بخوانم. «بسم‌الله الرحمن الرحیم» «یا نساء النبی» ای زنان پیغمبر! «من یات منکن بفاحشه مبینه» (احزاب/۳۰) اگر شما که زن پیغمبر هستید خلاف کنید، «یضاعف» عذاب شما دو برابر است. چرا؟ برای اینکه مردم به شما نگاه می‌کنند.

شقرانی چه کسی بود؟ فامیل امام صادق(ع) بود. حضرت به او فرمود: بدی از هر کسی بد است ولی از تو بدتر است. چون تو فامیل من هستی. بنابراین این زن و بچه مسئولین، زن و بچه روحانیون، زن و بچه امام جمعه‌ها، اینها باید از دیگران بهتر باشند.

برپایی نماز جماعت در اداره‌ها، اصلا در ادارات نماز جماعت نبود. من سراغ دارم کسی را که به من می‌گفت: می‌خواستم نماز بخوانم یک پلاستیک در جیب من بود، پلاستیک را بیرون می‌آوردم، می‌رفتم دستشویی، به اسم دستشویی می‌رفتم شیلنگ می‌گرفتم اطراف دستشویی را می‌شستم که شرعا پاک باشد. نایلون می‌انداختم که پای من تر نشود. روی نایلون در مستراح نماز می‌خواندم. بعضی جاها اینطور بود. البته همه جا اینطور نبود. زمان شاه یک جاهایی نماز می‌خواندند. دور از انصاف نرویم. اما اینطور که بعد از انقلاب هم نمازخوان ها بالاخره حالا زیر زمین و یک جاهای دخمه‌ای را نمازخانه می‌کردند. همه اتاق‌های مدیرکل بهتر از نمازخانه بود. الان نه! الان هم خیلی جاها، اداره جناب مدیر اتاقش بهتر از نمازخانه است. ولی کم‌کم من بسیاری از موارد دیدم و مقایسه کردم بین نمازخانه و اتاق مدیر و دیدم نه، نمازخانه قشنگ شده. خیلی بد است که هرکس بخواهد با من مدیرکل مذاکره کند. مدیرکل کیه؟ از ترس پشه در پشه‌بند می‌رود. هر کس می‌خواهد با مدیرکل مذاکره کند باید در اتاق لوکس برود. هر کس می‌خواهد با خدا گفت‌وگو کند باید در دخمه برود. به ما گفتند: برای نماز لباس ویژه تهیه کنید.

خانم‌ها یک خوبی دارند که مردها ندارند، این است که خانم‌ها اگر بخواهند نماز بخوانند با چادر سفید نماز می‌خوانند. چادر نمازشان با باقی چادرهایشان فرق می‌کند. این کار، کار قشنگی است. چند کار خوب زن‌ها می‌کنند که مردها نمی‌کنند.

چند کار خوب اهل سنت می‌کنند که شیعه‌ها ندارند. توجه به قرآن، توجه به اهمیت نماز جماعت. ما هرکس خوب است، باید بگوییم: این خوب است. خجالت هم نکشیم. این از من بهتر است.

نماز عاشورا، یادم نمی‌رود در یکی از شهرها، حالا می‌دانم کدام شهر است اما نمی‌خواهم اسمش را ببرم. این را آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌گفت، خدا رحمتش کند. می‌گفت: در فلان شهر به فلان آیت‌اللهی که مرجع تقلیدشان بود گفتند: آقا شما امشب به مسجد نیا. شب عاشورا است می‌خواهیم سینه بزنیم. نمازت را در خانه بخوان. یعنی هیئتی به خودش اجازه می‌داد که به مرجعش بگوید: امشب نماز نخوان. در خانه نماز بخوان، می‌خواهیم سینه بزنیم. ولی الان نماز جماعت تا دل نیویورک پیش‌رفته است. شیعیان دنیا در خیابان نماز می‌خوانند.

عرض کردم پاکستان بودیم گفتند: اینجا حافظ قرآن پانصد هزار تا است. ایران چند تا حافظ قرآن دارد؟ من دیدم چه بگویم؟ من هروقت در جواب‌ها گیرمی‌کنم می‌گویم: این سؤالتان را یک خرده توضیح بدهید. تا توضیح می‌دهد من فکر می‌کنم. این فوت کوزه‌گری ما است.آخوندها روی منبر وقتی یک چیزی یادشان می‌رود می‌گویند: سه تا صلوات بلند. دراین سه صلوات اینها فکر می‌کنند.

پاکستان ۵۰۰ هزار حافظ قرآن دارد. ایران چند تا؟ بالاخره آنجا گفتم که در ایران حافظ قرآن تربیت نمی‌کنیم. ما محافظ قرآن تربیت می‌کنیم. این قاطی کرد و گفت: حالا تو توضیح بده. گفتم:حافظ قرآن تیزهوش است و قرآن را حفظ می‌کند. محافظ قرآن ممکن است حمد و سوره‌اش هم غلط باشد، ولی تکه تکه می‌شود و یک وجب از زمینش را به صدام نمی‌دهد.این محافظ قرآن است. شما حافظ تربیت می‌کنید و ما محافظ.

چقدر کتاب زمان شاه تألیف می‌شد و الآن چقدر؟ شما بگو جمعیت هم دو برابرشد. خیلی خوب زمان شاه سی و پنج میلیون بوده، حالا هفتاد میلیون باکم و زیادش. جمعیت دو برابر شده. تولید کتاب دو برابرشده یا چند برابر شده؟ نوع کتاب‌هایی که تولید می‌شود. اینها باید آدم بنشیند و ببیند دهه فجر چه بود و چه شد؟

۷- احیاءزکات و رسیدگی به محرومان

مسئله زکات، قبل از انقلاب جز افراد نادری که شخصا زکات می‌دادند، زکات نبود، یکی از آقایان می‌گفت: زکات (رضوان‌الله تعالی علیه)! یعنی مردا! نماز هست زکات هیچی به هیچی! زکات نبود. در سایه انقلاب مسئله زکات مطرح شد. امسال اینطور که به من گفتند: صدمیلیارد تومان زکات است.تازه الآن که زکات هست شاید ده درصد مردم زکات بدهند. این قدر حدیث داریم که اگر همه مردم زکات بدهند روی کره زمین گرسنه‌ای نمی‌ماند.

زکات برای خودت نیست: «انتم تزرعونه ام نحن الزارعون» (واقعه/ ۶۴) تو فکرمی‌کنی، تو زارع هستی. خدا زارع است. تو در این ۱۵ کیلو گندم حق کشتت را، برداشتت را، درو کردنت را، آبیاری‌ات را، سمپاشی‌ات را، هر چه می‌خواهی بردار، آیا خورشید در این گندم سهم ندارد؟ آیا باد سهم ندارد؟ باران سهم ندارد؟ خورشید و باران برای خدا نیست؟ درپانزده کیلو، بیست کیلو، یک کیلویش برای خداست. تازه به خدا که نمی‌دهی. خدا که شکم ندارد. زکاتت را به فقرا بده. این زکات باید احیاشود.

خود سیمای شهر، خانه‌های مناطق فرسوده تغییر پیدا کرد. در هر طرف آدم می‌رود می‌بیند خیلی ساختمان‌سازی زیاد شده است. البته ما یک گله‌ای از ساختمان‌سازها و مسکن مهر و وزارت مسکن و اینها داریم. خدمت وزیر هم گفتیم. ایشان هم یک جواب‌هایی داده. می‌گوید: مسجد داریم. منتهی می‌گوییم: مسجدش کجاست؟ می‌گوید: مسجد آن پشت‌هاست.

آخوندها، مسئولین، معلمین، پدر و مادرها، اینهایی که مسئولیتی دارند، مثلا در خانه پدربزرگ است، مادربزرگ است، مادر است. بچه به مادر نگاه می‌کند. بچه به پدر نگاه می‌کند. اگر کسی مورد نگاه دیگران است، اگر گناه کند گناهش دوبله است.

یک کسی برنج سفید آورد. گفت: خورشت‌اش کو؟ گفت: خورشت‌اش آن زیرهاست! چنگال بزن در می‌آید. خورشت باید رو باشد. یعنی وقتی مسکن مهر را افتتاح می‌کند، رئیس‌جمهور یا هر کس، باید این منار و گنبدش هم پیدا باشد. ما خیلی برج می‌بینیم. نمی‌گویم مسجد نیست. حالا فردا یک وقت نگویند: آقای قرائتی! حق ما را از بین بردی. باید مطرح باشد. مسجد باید اول ساخته شود. قرآن می‌گوید: «ان اول بیت وضع للناس» (آل عمران/ ۹۶) یعنی یک جایی که می‌خواهید شهرک بسازید، اول مسجدش را درست کنید و بعد براساس مسجد خانه بسازید. ما اول خانه می‌سازیم. آدم که زن می‌خواهد، شوهر می‌خواهد، اول به پدر و مادرش می‌گوید. این دختر و پسرها اول خودشان حرف‌هایشان را می‌زنند، آخر جهت اطلاع به مادرشان می‌گویند. اول به پدر و مادرت بگو و بعد به دیگران.

۸- تقویت روحیه شجاعت در جوانان

روحیه شجاعت در نسل نو، زمانی که در زمان شاه راهپیمایی می‌شد، یادم نمی‌رود که بود. در ذهنم هست که بود. گفت: شما حرف حسابتان چیست؟ مگر نمی‌گویید: مرگ بر شاه! آدم نمی‌تواند مستاجرش را از خانه‌اش بیرون کند. شما می‌خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ بچه‌ها می‌گفتند: مرگ بر شاه، مرگ بر شاه! هر چه می‌گفت: بچه‌ها شما نمی‌فهمید. شاه نمی‌رود. می‌گفتند: مرگ بر شاه، مرگ بر شاه! بالاخره بچه‌های ایران فهمیدند به خودشان اعتماد کردند. خودشان را یافتند.

اگر می‌خواهید جمهوری اسلامی کامل شود راه تکامل جمهوری اسلامی این است. ماشین چطور ماشین شد؟ هر طور ماشین شد خودمان هم باید همان طور شویم. چگونه ماشین، ماشین شد؟

۱- کشف معدن
۲- استخراج معدن
۳- ذوب معدن
۴- قطعه‌سازی
۵- اتصال قطعات. ماشین شد.

جمهوری اسلامی چه زمانی کامل است؟زمانی که همه استعدادها کشف شود. شما باور می‌کنید که انرژی هسته‌ای در طبیعت و ماده و جمادات باشد، در مخ شما نباشد؟ حتی دختر و پسرهایی که فکر می‌کنند تیزهوش نیستند. در کنکور رد می‌شوند، فکر می‌کنند استعدادش پایین است، اینها ممکن است در آن رشته‌ای که می‌خواهند رد شوند، اما در رشته‌های دیگر ممکن است نابغه باشند. داروین در دو رشته در دانشگاه شکست خورد. داروین رئیس علوم طبیعی شد. من نابغه نیستم ولی در معلمی قوی هستم به لطف خدا. من که در معلمی سی و چند سال است در تلویزیون هستم، در یک روستا رفتم روضه بخوانم مرا بیرون کردند. صدا ندارم. هر چه روضه می‌خواندم مردم می‌خندیدند.

ممکن است کسی در یک رشته شکست بخورد، منتها باید کشف کنیم که به چه دردی می‌خوریم؟ بعد باید خودمان را استخراج کنیم. «یخرجهم من الظلمات الی النور» (بقره/ ۲۵۷) من! پهلوی این!؟ خوب چه اشکالی دارد؟ مادر شوهر بی‌سواد است پیش عروسش درس بخواند. نه! توهین به من است. من پیش دخترم درس بخوانم؟ من پیش عروسم درس بخوانم؟ ما سالی چند صد میلیون تومان پول تکبر پیرزن‌ها را می‌دهیم؟ در خانه عروس باسواد است، داماد با سواد است دختر و پسر باسواد است، مادرشان بی‌سواد است، می‌گوید: مادر جان شبی نیم ساعت کنار این درس بخوان. نه! نه! می‌گوییم: چرا نه؟ می‌گوید: من پهلوی این درس بخوانم؟ می‌گوییم: پس چه کنیم؟ می‌گوید: یک معلم بگیر. هیچی ما پول می‌گیریم از دولت به نهضت سوادآموزی می‌دهیم، این می‌آید به این درس می‌دهد.

در یک سری از کارها باید ذوب شویم. ولش کن خودت را نبین. او را ببخش. نخیر! کینه داریم. خودمان را تصفیه نکردیم. قطعه‌سازی، خودسازی، اتصال قطعات. اگر بشر خودش را کشف کند، استخراج کند، خودش را آب کند، خودسازی کند، افراد خودساخته به هم متصل شوند، متحد شوند، مونتاژ شوند، همان کاری که روی ماشین کردیم و ماشین شد، همان کار را روی آدم‌ها کنیم آدم می‌شود.

***جمهوری اسلامی چه زمانی کامل است؟زمانی که همه استعدادها کشف شود. شما باور می‌کنید که انرژی هسته‌ای در طبیعت و ماده و جمادات باشد، در مخ شما نباشد؟ حتی دختر و پسرهایی که فکر می‌کنند تیزهوش نیستند. در کنکور رد می‌شوند، فکر می‌کنند استعدادشان پایین است، اینها ممکن است در آن رشته‌ای که می‌خواهند رد شوند، اما در رشته‌های دیگر ممکن است نابغه باشند.**

ناگفته‌های آیت‌الله بهاءالدینی(ره) از امام خمینی(ره)

یکی از اعضای بیت مرحوم آیت‌الله بهاءالدینی فایل صوتی و تصویری گفت‌وگوی آن فقیه پارسا با یکی از برادران سپاه پیرامون ابعاد شخصیتی حضرت امام‌خمینی را در اختیار مرکز خبر حوزه قرار داده که تقدیم ارادتمندان پیر جماران می‌شود. این فایل صوتی و تصویری حاوی مطالبی از این مرجع تقلید پیرامون ارتباط خود با امام‌خمینی، ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت امام و نیز مسائلی پیرامون حوزه علمیه و دفاع مقدس است که آن را به نقل از حوزه نیوز ازنظر می‌گذرانیم.

***

*** امام(ره) دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند**

امام در جهات اخلاقی در کمال تواضع و خضوع حرکت می‌کردند. کسانی که در مجالس عمومی با امام نشست و برخاست و مصاحبت داشتند، در طول بیست سال مشاهده نشد که امام در مجلسی از رفقا جلوتر حرکت کنند؛ همیشه دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند. این ویژگی اخلاقی را به چشم خود از ایشان دیده‌ام و همواره این تواضع را نسبت به اهل علم انجام می‌دادند.

*** پیشگامی در دیدار با مراجع**

معمولاً در اعیاد، طلاب، فضلاء و عموم مردم به دیدار مراجع و علماء می‌روند. روش امام این‌گونه بود که در اعیاد، ابتدا خود به دیدار مراجع می‌رفتند، بعد در منزل حاضر شده و افراد برای زیارت ایشان مراجعه می‌کردند.

حضرت امام در تذکرات خود به حوزویان، مصالح حوزه و مصالح طرف مقابل را درنظر می‌گرفتند. اما به هیچ وجه به مصالح خود نمی‌اندیشیدند.

*** امام خمینی اهل تشریفات نبود**

امام(ره) با انگیزه مصلحت به طرف مقابل تذکر می‌دادند. در برنامه زندگی بنیانگذار جمهوری اسلامی، هیچ تشریفاتی وجود نداشت. حتی تشریفات شاگردی و استادی در سیره امام جایی نداشت و هیچ تفاوت و امتیازی بین خود و شاگردان به صورت عملی، قائل نبودند؛ گاهی دیده می‌شد که تشکیلات جلسه، از سوی شاگردان ایشان اداره می‌شد و امام با کمال تواضع در آن جلسات شرکت می‌کردند و این تشریفاتی که بین مردم معمولاً وجود دارد. (استادی و شاگردی) در برنامه امام به هیچ وجه یافت نمی‌شد.

*** تعبدات امام**

تعبدات امام بسیار عجیب بود. بنده در موقع برگشتن از سفر حج، به کربلا مشرف شدم. در کربلا مشاهده کردم که ایشان بسیار به زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) مشرف می‌شوند. روزی در حرم سید الشهدا به بنده فرمود: شما به منزل بروید تا من بیایم؛ به این خاطر این را فرمود که زیارات طولانی را در حرم جدشان قرائت می‌کردند و نمی‌توانستند از جوار حضرات ائمه(ع) جدا شوند.

***تجلیل و احترام به روحانیت**

حضرت امام از ابتدا سعی و کوشش فراوانی در تجلیل روحانیت انجام دادند تا کسی جرات نکند به روحانیت کوچک ترین اهانتی داشته باشد و خود را آماده کرده بود تا روحانیت را حفظ نماید.

***هیچ موضوعی امام را نگران نمی‌کرد**

به صورت قطعی یادم نیست. اما تقریبا ۵۶یا ۵۷ سال این آشنایی من سابقه دارد. در این مدت غیر از حسن‌نیت و تذکرات مشفقانه از امام چیز دیگری مشاهده نکردم. در طول این ۵۷سال حتی یک نگرانی را در امام ندیدم و چیزی نمی‌توانست امام را نگران کند.

خوشبختانه مردم در مسیر واحد (انقلاب اسلامی) قرار گرفته‌اند. اما اگر راه‌های مختلفی در مسیر حرکت مردم قرار داشت که نتوانند درست تشخیص دهند و در انتخاب راه با تردید مواجه بودند، می‌توانست مورد بحث قرار گیرد. لکن امروز مسیر حرکت به سوی تعالی واحد است و این مسیر، اضطراری و منحصر در همین راه است. به نظر ما، وجه دیگر و مسیر دیگری غیر از مسیر فعلی انقلاب که بتوان از آن وجه و مسیر حرکت کرد، وجود ندارد.

دعوت شرق و غرب به سازش و مصالحه چیزی جز تسلیم شدن ایران نیست و کوچک ترین عوارض چنین سازش و مصالحه‌ای، فلسطینی دیگر را رقم خواهد زد. یعنی اگر سازش با شرق و غرب صورت گیرد، نتیجه آن به وجود آمدن کشوری مانند فلسطین خواهد بود.

***نقش اساسی حوزه‌های علمیه**

آثار حرکت امروزه در حوزه‌های علمیه مشهود است. اگر حرکت علمی و حرکت تقوایی در حوزه‌های علمیه ادامه داشته باشد، شرق و غرب تسلیم حوزه‌های علمیه خواهند شد.

امروز جبهه‌ها، نقش تبلیغ اسلام را ایفا می‌کنند. برنامه های ارتش جمهوری اسلامی در هیچ کجای جهان یافت نمی‌شود. حال هر چقدر تبلیغات بر ضد ارتش هم باشد، اثری نخواهد داشت. چه بسا تبلیغات دشمنان، ملت‌ها را بیدار کند که واقعیت‌ها چیست؟ فعلا وضعیت ارتش، نمونه‌ای از مجاهدان صدر اسلام را تداعی می‌کند.

گرچه ارتش دشمن با کمال بی‌رحمی عمل می‌کند؛ ولی ارتش ایران کمال ارفاق را در مقابل دشمن انجام می‌دهد. [به طور مثال] ارتش ایران در رفتار با اسرای عراقی [در زمان جنگ حزب بعث علیه ایران] کمال برادری و شفقت را مراعات نموده است. شاید تاخیر این پیروزی به یاری خدا به نفع اسلام و مسلمین تمام شود.

[سپاه] پاسداران ان‌شاءالله موفق هستند آنچه که حس کرده‌ام وبرخورد داشته‌ام، موفق هستند ان‌شاءالله فعالیت و توفیقاتشان زیادتر شود.

این افراد فقط پاسدار نیستند. بلکه روحانی و مبلغ اسلام نیز هستند. وجود این افراد در هر منطقه‌ای تبلیغ اسلامی است.چقدر خوب است که پاسدار، اسلامی باشد، پاسدار مروج اسلام و مورد توجه حضرت ولی‌عصر(عج) باشد.

***حرکت حوزه به سوی تقویت تقواست**

نقش حوزه باید تقوا، پیشرفت در علوم و آگاهی به مسائل روز باشد که خداوند در این مسیر ان‌شاءالله آنها را تایید می‌کند و همان‌گونه که قبلا عنوان کردم، ما راهی غیر از راه امام نداریم. یعنی وجهی به نظر نمی‌رسد. این راه منحصر و اضطراری است و ان‌شاءالله پیروزی با امام زمان(عج) می‌باشد.

***تحول انسانی از نتایج انقلاب اسلامی**

تحول نفسانی و تحول انسانی از جمله برکاتی است که نصیب مردم شده است.

گاهی انسان با پنجاه سال مجاهدت به چنین مقامی نمی‌رسد! اما از برکات انقلاب چنین تحولی در نفوس انسان‌ها رخ داده است و بزرگ ترین مجاهدات مورد تاکید اسلام همین مسئله است که انسان به تحول نفسانی دست پیدا کند. چون تحولات نفسانی، مبدا همه خیرات است و عدم چنین تحولی منشا بسیاری از شرور می‌باشد.

این تحول نفسانی، از جمله نعمت‌هایی است که نصیب مردم ایران شده است و باعث شده که حس، ادراک، ذوق، اهداف، مقاصد و...، مردم تغییر کند و این از برکات انقلاب می‌باشد. اگر نفوس، نفوس الهی باشد، توجه به جهات الهی پیدا می‌کند و به جهات مادی توجهی ندارد. همان جمعیتی که برای مسائل مادی صبح تا شب در بازار بر سر یکدیگر می‌زدند، امروزه جهات الهی پیدا کرده و در جبهه‌ها به مجاهدت می‌پردازند که ان‌شاءالله به پیروزی اسلام منجر شود.

به صورت قطعی یادم نیست. اما تقریبا ۵۶یا ۵۷ سال آشنایی من با امام سابقه دارد. در این مدت غیر از حسن‌نیت و تذکرات مشفقانه از امام چیز دیگری مشاهده نکردم. در طول این ۵۷سال حتی یک نگرانی را در ایشان ندیدم و چیزی نمی‌توانست او را نگران کند.

انقلاب و تغییر نیاز طبیعی جامعه

■ محمد حمزه‌ای

جامعه همانند طبیعت همواره نیازمند تغییر است تا خود را با شرایط جدید وفق دهد. تغییر در راستای بازسازی عوامل برای بهره‌وری بهتر و مناسب و متناسب با نیازهای انسانی رخ می‌دهد. بنابراین، تغییراتی که مطابق با طبیعت و در راستای همسان سازی و مدیریت بهتر ابزارها و عوامل باشد، یک امر طبیعی و به یک معنا یک امر ارزشی و هنجاری است و تنها تغییراتی که برخلاف طبیعت و خلقت باشد، نه تنها امر ضد ارزشی است بلکه محکوم به فناست (نساء آیه ۱۱۹)؛ زیرا تغییرات ضدطبیعی نمی‌تواند در برابر فشار طبیعت مقاومت کند و به عنوان باطل از میان می‌رود. از این رو در جنگ میان حق و باطل همواره این باطل است که محکوم به فناست. (اسراء، آیه ۸۱)

حق، محور نظام هستی

از نظر آموزه‌های اسلامی، نظام هستی بر مدار حق است و این حق همان امر ثابتی است که از مشیت و اراده الهی برخاسته است. پس خاستگاه حق را باید در خداوند دانست. هر آنچه که بر مدار حق نباشد، در حقیقت بیرون از مشیت و اراده الهی و باطل است.

البته باطل دو وجه دارد، یکی وجه عدمی مطلق است که اصولا ن